

## سلامت محیط زیست از منظر ابو زید بلخی

فاطمه ملایم

استادیار دانشگاه امام صادق (ع) - پردیس خواهران

### چکیده

ابوزید بلخی اندیشمند شیعه ایرانی قرون سوم و چهارم هجری، صاحب آراء بکر در حوزه حفظ سلامت محیط زیست، پیشگیری و سلامت جسم و روان، در کتاب نفیس «مصالح الابدان والانفس» است. هدف از تدوین این مقاله، تبیین استانداردهای عناصر سه‌گانه محیط زیست سالم از منظر ابو زید بلخی و ارائه مباحث پیشگرانه و معرفی راه کارهای او در حوزه محیط زیست است.

روش این پژوهش توصیفی- تحلیلی با استفاده از شیوه اسنادی بوده و جامعه این پژوهش علاوه بر منبع اصلی (کتاب مصالح الابدان و الانفس) منابع مرتبط با موضوع این پژوهش است. یافته‌های پژوهش، حاکی از انطباق دیدگاه این داشتماند در حوزه محیط زیست با مسائل زیست محیطی معاصر است، به‌گونه‌ای که می‌توان راه کارهای مناسبی از آنها برای حل مشکلات زیست محیطی جامعه استخراج نمود. نتایج پژوهش بیانگر آن است که دیدگاه ابو زید بلخی مدافعانه تقدیم پیشگیری بر درمان در حوزه محیط زیست می‌باشد، وی بر ضرورت توجه به بهره‌برداری صحیح از تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی به هنگام انتخاب و ساخت مسکن، تأکید می‌کند. توصیه وی در زمینه انتخاب محل سکونت و شهرسازی، نقاط مرتفع و در معرض بادهای مرغوب بوده و پیشنهاد می‌کند، زمانی که سرما و گرمابه اوج شدت خود می‌رسد مردم در مناطق مرتفع که دارای آب و هوای پاک‌تر هستند، سکونت گزینند، تا از عفونت‌های اقلیمی و مضرات بخارها و دودها و ریزگردهای متصاعد از زمین در امان باشند. شیوه‌های مقابله با آلدگی هوا ناشی از پدیده وارونگی یکی از موضوعاتی است که بلخی تحت عنوان اسرار فوائد حفظ محیط زیست از آن یاد می‌کند.

تاریخ دریافت: خرداد ۹۵  
تاریخ پذیرش: خرداد ۹۶

کلیدواژه‌ها: ابو زید بلخی، محیط زیست، پیشگیری، تفاوت‌های اقلیمی، عفونت هوا، راهکار.

### مقدمه:

ایجاد پل ارتباط بین گذشته و حال نوع مشکل را مورد بررسی قرار داد، و اطلاعات جدید، کامل و دقیقی کسب نمود. بر این اساس به منظور بررسی دیدگاه‌های تاریخی زیست محیطی، و استفاده از راه کارهای ارائه شده، دیدگاه ابو زید بلخی، به عنوان یکی از اندیشمندان مسلمان ایرانی در قرن سوم و چهارم هجری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قبل از بلخی بقراط در کتاب خود به مقوله محیط زیست می‌پردازد، اما وی آب و هوا و موقعیت جغرافیایی شهرها را در ارتباط با بیماری‌هایی که ممکن است افراد به دلیل تفاوت‌های آب و هوایی و محل سکونت به آن مبتلا شوند، مورد بررسی قرار می‌دهد، و معتقد است طبیب باید برای درمان بیماری‌های ساکنان شهرها، موقعیت جغرافیایی آنها را از نظر جهت وزش باد، موقعیت آنها نسبت به طلوع خورشید، و

انسان از دیرباز به اقتضای نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی خود تغیراتی در محیط زیست ایجاد کرده، در نتیجه با مشکلات زیست محیطی متعددی روبرو شده، و امنیت او همواره از طریق به هم خوردن موازنۀ عناصر محیط زیست مورد تهدید قرار گرفته است. امروزه این مشکلات آنچنان شدت گرفته که می‌توان گفت انسان از این جهت در جهان معاصر لحظات بحرانی حیات خود را سپری می‌کند. بدون تردید یافتن راه حل برای این معضلات پیجیده زیست محیطی جز با آگاهی یافتن از رسمoz و مبانی مسائل زیست محیطی امکان پذیر نمی‌باشد. یکی از روش‌های کسب آگاهی برای حل مشکلات حاضر و گذر از آنها، متصل شدن به گذشته و استفاده از تجارب گذشتگان است، تا بتوان با روش تاریخی و

۱ مبحث اول: معرفی ابو زید بلخی

احمد بن سهل أبو زید بلخی، متکلم، فیلسوف، روانشناس و متخصص علوم محیط زیست ملقب به جاخط خراسان صاحب تالیفاتی مشهور است (۲-۱). زادگاه او اقلیم شرق و معاوراه النهر از آبادترین سرزمینهای اسلامی است (۳). وی پرورش یافته تمدن و فرهنگ در حال پیشرفت ایران بود، و آثار علمی فراوانی از خود به جای گذاشت. وی در سال ۲۳۵ هجری مصادف با ۸۴۹ میلادی در بلخ در روستایی به نام شامستیان دیده به جهان گشود (۱). طبیعت و محیط روستا از او شخصیتی با وقار و با ثبات و آرام ساخت. او مدتی مسؤولیت آموزش کودکان را در این روستا به عهده گرفت، سپس برای کسب علم و معاشرت با علماء به عراق سفر کرد تا در مورد مذهب امامیه تحقیق کند. در محضر ابی یوسف یعقوب اسحاق کندی شاگردی کرد، و کندی او را مجدوب علوم محض نمود (۴). برخلاف ادعای دکتر محمود مصری محقق کتاب مصالح الابدان، مبنی بر گرایش او به مذهب اهل تسنن، وی شیعی مذهب بوده است (محمد مهدی اصفهانی، دیباچه کتاب مصالح الابدان و الانفس). چنانچه یاقوت حموی ابیاتی از بلخی در رثای حسن بن حسین علوی آورده که دلیل واضحی بر گرایش او به مذهب تشیع می‌باشد (۱). او به مدت هشت سال در عراق به کسب علوم دینی و منطق و فلسفه پرداخت. پس از آن به بلخ بازگشت و در آنجا به نشر علم مشغول شد. در علم طب و شناخت مزاجها مهارت داشت (۱). در سال ۳۲۲ هجری مصادف با ۹۳۴ میلادی در سن ۸۷ یا ۸۸ سالگی در زادگاهش شامستیان درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.

دوران حیات بلخی مصادف بود با پایان شکوه دولت عباسی و اوج عظمت و عزت سامانیان، خاندان علم و ادب در خراسان. فراهم شدن این بستر مناسب برای پیشرفت علوم و فرهنگ و تمدن به همراه تسامح و فضای آزادی که اسلام برای فعالیت در تمامی شاخه‌های علوم فراهم کرد، و همچنین رخت بریستن تعصبات نژادپرستانه موجب شد تا اندیشمندانی همچون ابو زید آثار ارزشمندی به تمدن بشری عرضه کنند (۵).

در همین دوران بود که به دلیل حاکم بودن افکار فلسفی و

کیفیت آب مورد بررسی قرار دهد. به علاوه او به تأثیر بادها در ایجاد تغییرات در بدن انسان، و نیز ارتباط نیروی آبهای و تفاوت طعم و وزن آنها با بیماری‌ها اشاره می‌کند.

ابن سینا در قرن پنجم به برخی علل و عوامل آلودگی هوا اشاره می‌کند، و سرزمهنهایی را از آلودگی هوا بدور می‌داند که در آن باد زیاد بوزد و کوه مانع نباشد، و اگر مانع در برابر وزش باد وجود داشته باشد، هوا برای تعفن آمادگی می‌یابد. وی از آلودگی هوا ناشی از پدیده وارونگی تحت عنوان تعفن هوا سخن گفته، و به عواقب وخیم آن اشاره می‌کند. زیرا هواهای نزدیک به ما با غبار، دود، و بخار درآمیخته، واپس بخارها هوا را آلوده و بدن را سست و به سنگینی و بسی رمقی دچار می‌کند، و آسیب‌های آن از جسم فراتر رفته و بر قدرت حافظه و درک انسان نیز تأثیر می‌گذارد، و موجب ضعف و کودنی می‌شود.

محمود مصری ضمن مقدمه ای که بر کتاب مصالح الابدان و الانفس نگاشته است به اهمیت دیدگاه بلخی در مورد هوا و آب و آلودگی و مصرف روز افزون آن و خطرات ناشی از انتقال بیماری‌های واگیر دار از طریق آب و هوا اشاره می‌کند، سپس از تأثیر محیط زیست بر سلامت جسم و روان از منظر وی سخن می‌گوید.

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:  
آیا دیدگاه ابو زید بلخی در حوزه محیط زیست، با مسائل زیست محیطی جامعه امروزی انطباق دارد؟  
در دیدگاه ابو زید بلخی، تمرکز بیشتر بر پیشگیری است یا درمان؟

ابوزید بلخی، چه راهکارهایی برای کنترل و مقابله با مسائل زیست محیطی ارائه نموده است؟

## مواد و روش‌ها:

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی به شیوه اسنادی بوده و جامعه این پژوهش، مهمترین مستند (کتاب نفیس مصالح الابدان و الانفس نوشته ابو زید بلخی) بوده و هم‌چنین سایر اسناد و منابع معتبر مرتبط با موضوع پژوهش نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

آثاری است که جسم و روان را به عنوان یک مجموعه واحد در نظر می‌گیرد و ضرورت توجه به پیشگیری و حفظ سلامت جسم و روان را مورد تأکید قرار می‌دهد، و می‌گوید «سخن گفتن از حفظ سلامت چیزی است که اطبا در آثارشان به آن نبرداخته‌اند، زیرا این موضوع از جنس حرفة آنها نیست، چنانچه مداوای بیماری‌های روان از جنس بیماری‌هایی که با فصد و دارو مداوا می‌شوند، نیست» (۱۲).

بلخی در مقدمه با اختصار و با سبک آموزشی خود که در کتاب دنبال می‌کند به اصول کلی علم حفظ سلامت استناد می‌کند، و تدابیری برای بکارگیری آن معرفی می‌کند. سپس در فصل سوم از مقاله اول ضمن تعیین استانداردهایی که عناصر سه گانه محیط زیست باید برخوردار باشند، راه حل‌هایی را برای فراهم کردن محیط زیست سالم ارایه می‌دهد (۱۳). پس از آن به مواد غذایی و آشامیدنی سالم و عوامل ایجاد شادابی روان و موسیقی و تاثیر آن می‌پردازد. در مقاله دوم کتاب با عنوان «مصالح الانفس» او به تدبیر مصالح نفس می‌پردازد و سلامت روان را از جنبه‌های مختلف در هشت باب مورد بررسی قرار می‌دهد.

### ۳-۳ مبحث سوم: اهمیت پیشگیری در حفظ محیط زیست

بلخی در فصل سوم از مقاله دوم بحث محیط زیست را با نیاز انسان به تدبیر در مسکن و آب و هوا آغاز می‌کند، و با ذکر مقدمه‌ای به نیاز مبرم انسانها به این سه عامل و اهمیت توجه به آنها می‌پردازد. سپس راهکارهایی برای حل مشکلاتی که از ناحیه این عوامل ممکن است پیش آید ارائه می‌دهد. او این نیاز را با کلیات مباحث نظری طب مرتبط می‌داند و می‌گوید: «اولین موضوعی که انسان باید تدبیر لازم را در آن برای تداوم حیات و رشد و نمو و امرار معاش خود اتخاذ کند، آب و هوا و مسکن یا محیط زیست می‌باشد» (۱۴). به همین دلیل وی این موضوع را که از چشمگیرترین موضوعات مقاله اول می‌باشد مقدم بر بحثهای دیگر می‌آورد، که شامل موضوعات زیر می‌شود: (الف) نیاز به تدبیر محل سکونت و آب و هوا، (ب) ارتباط متقابل بین مزاج عوامل سه گانه محیط

عقل‌گرایی بر شیوه‌های پژوهش، مکتب‌های علمی، فکری، اجتماعی، و دینی متعددی شکل گرفت و شیوه‌های جدیدی در حوزه پژوهش علمی همچون طب، نجوم، ریاضیات، هندسه، و کشاورزی رواج یافت، تا جایی که این علوم به سمت تخصصی شدن سوق یافت (۵).

از جمله استادان أبو زید بلخی، محمد بن اسلام و أبو یوسف یعقوب بن اسحاق کندي بودند، که بلخی علوم فراوانی مخصوصاً در فلسفه از آنها کسب نمود (۶). به همین دلیل وی به روش فلاسفه به نقد و بررسی می‌پرداخت (۷-۶). بسیاری از اندیشمندان معاصر وی او را دائره المعارفی می‌دانند که در فلسفه، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا، و ادبیات دست به نگارش زد. البته آثار پژوهشکی او نیز چیزی از دیگر آثار او کم ندارد (۸). از شاگردان او می‌توان به أبو محمد حسن بن وزیری صاحب کتاب اخبار أبو زید بلخی، و محمد بن زکریای رازی اشاره کرد. ابن ندیم، أبو زید بلخی را استاد رازی در فلسفه می‌داند (۹). رازی، که معاصر بلخی بوده، رساله‌ای در باره علت زکام مزمن بلخی در فصل بهار و زمان گل‌آوری گل سرخ و نیز تأثیر دانه‌های گرده بر دستگاه تنفسی نوشته که دلیلی بر ارتباط و پیوستگی بین آنها بوده است (۱۰).

### ۴-۳ مبحث دوم: معرفی مصالح الأبدان والأنفس

از بلخی حدود پنجاه کتاب و رساله به جای مانده است. یکی از آثار مهم او «كتاب مصالح الأبدان والأنفس» است. این کتاب قرنها از زمان خود سبقت گرفته و نقطه عطف روشنی برای مؤلف و مایه مباحثات تمدن و فرهنگ اسلامی است. ارزش هر کتابی اغلب بعد از مطالعه آن مشخص می‌شود، اما این کتاب با عنوان چشم گیرش قبل از مطالعه، اعجاب هر خواننده ای را بر می‌انگیزند. از ویژگی های بارز این کتاب حاکم بودن نگاه استدلایلی و تکیه بر قیاس و استدلایل است، که حاکمی از تبحر مؤلف در علوم متعدد مخصوصاً فلسفه می‌باشد. این کتاب در دو مقاله تألیف شده است. عنوان مقاله اول «مصالح الأبدان» است که به مقوله حفظ سلامت جسم می‌پردازد (۱۱). اهمیت این کتاب در این است که از اولین

به نظر او همه چیز در این عالم از اشیاء طبیعی گرفته تا اشیاء مصنوعی ساخته دست بشر در معرض دگرگونی و نابودی هستند. لذا نیازمند مراقبت هستند تا دچار زوال نشوند، واز طول عمر مفید برخوردار شوند. این نیاز شبیه به نیاز مبرم ساختمانهای عظیم به مرمت و نگهداری است، تا جایی که اگر به این موضوع بسی توجهی شود به سرعت رو به زوال می‌گذراند. و انسان اشرف مخلوقات که تمامی کائنات و نظام هستی برای او به تسخیر گرفته شده بیشتر از دیگر موجودات و اشیاء مستحق این مراقبت است (۱۱). البته این نگهداری و پیشگیری در صورتی امکان پذیر است که هر فردی نسبت به جسم و روان و طبیعت محل سکونت، مایحتاج زندگی خود، چگونگی پیشگیری از بیماری‌ها، و تلاش در جهت درمان آنها اطلاع کافی داشته باشد. همچنین باید از تدبیر و درایت کافی نیز برخوردار بود تا با بکارگیری آنها موجبات سلامت نفس و جسم و نهایتاً دستیابی به سعادت دنیوی و آخری فراهم شود. بلخی می‌گوید انسان به دلیل عدم آگاهی نسبت به حقیقت امور خود را از فواید دقیق و فراوانی که می‌تواند از ناحیه محافظت از اشیاء و عناصر موجود در عالم بدست آورد محروم می‌گردداند. چون آثار زیبایی که در نتیجه بسی توجهی به موضوع حفظ سلامت محیط زیست به بار می‌آید در کوتاه مدت ملموس و آشکار به نظر نمی‌رسد، بلکه به تدریج با هم جمع و تبدیل به فاجعه می‌شود (۱۱).

بر این اساس سلامت و بهداشت جسم و روان را با سلامت محیط زیست، یعنی آب و هوا و محل سکونت مرتبط می‌داند. چنانچه منشأ بسیاری از مشکلات جسمی و روانی از نظر او بی توجهی به مقوله حفظ محیط زیست و پیشگیری است که منجر به فاجعه زیست محیطی می‌شود. ارتباطی که او بین زنجیره انسان و سلامت جسم و روان و محیط زیست و نهایتاً توسعه بشری و سعادت دنیوی و اخروی برقرار می‌کند، حاکی از نگاه عمیق او به اهمیت محیط زیست است (۱۳). این موضوعی است که بشریت امروزه بعد از گذشت قرنها به اهمیت آنها پی برد، و به این نتیجه رسیده است که برای نجات از بیماری‌ها و خطرات ناشی از آلودگی‌های محیط زیست و آثار مخربی که پیشرفت‌های سریع علمی و تکنولوژی

زیست، (ج) تاثیر محیط زیست بر تفاوت‌های جسمانی و روانی انسانها، (د) عوامل مؤثر در اختلاف محل سکونت و آب و هوا، (ه) ویژگی‌های محل سکونت سالم، (و) دلایل مهاجرتها، (ز) راهکار اصلاح محیط زیست، (ح) فواید نقل و انتقال بین خانه‌های بیلاقی و قشلاقی، (ط) توجه به تاثیر بادها (۱۴).

بلخی در مورد تاثیر عناصر سه‌گانه تشکیل دهنده اجزاء محیط زیست بر جسم و روان انسان می‌گوید: «مزاج این عناصر تحت تاثیر یکدیگر قرار دارند، و مزاج انسانها نیز تحت تاثیر مزاج این عناصر می‌باشد». یعنی «مزاج آبی که انسان می‌نوشد تحت تاثیر طبیعت خاکی است که بر آن جاری می‌شود، و مزاج هوایی که تنفس می‌کند تحت تاثیر بخارهای متتصاعد از آب رودخانه‌ها و دریاها و اقیانوس‌های روی زمین است. و اینها مزاج خود را به هوایی که در معرض آنها قرار می‌گیرند منتقل می‌کنند. به همین دلیل طبیعت هوا و بادها ترکیبی است از طبیعت آب و خاکی که در معرض آن قرار می‌گیرند و طبیعت انسان‌ها نیز متأثر از خاک و آب و هوایی است که آنها را احاطه کرده است» (۱۳).

بلخی با ذکر این مقدمه در صدد است دو نتیجه مهم استخراج کند: اول آنکه دستیابی انسان به سلامت جسم و روان بدون سلامت محیط زیست امکان پذیر نیست. دوم، تفاوت محیط زیست منشأ تفاوت‌های جسمانی و اخلاقی انسانها می‌باشد. یعنی تفاوتی که در شکل و ظاهر و قد و رنگ پوست و زبان و خلق و خوی ساکنان مناطق مسکونی زمین مشاهده می‌شود، ناشی از تفاوت عناصر خاک و آب و هواست و اگراین تفاوت نبود، تمامی انسان‌ها می‌بایست از نظر جسم و خلق و خوی نفسانی شبیه به هم باشند.

اهمیت دقت نظر این اندیشمند در مطرح کردن ارتباط تنگاتنگ سلامت روح و جسم انسان با سلامت محیط زیست از این جهت است که وی در صدد نتیجه‌گیری مهم و جدید دیگری می‌باشد، و آن ضرورت محافظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن برای دستیابی به سلامت جسم و روان می‌باشد (۱۱).

محل سکونت را در ارتباط با حفظ بهداشت مورد بررسی قرار می‌دهد (۱۶).

تفاوت دیگر شیوه پژوهش بلخی و بقراط در این است که بلخی اطلاعات خود در مورد آب و هوا و محل سکونت را طبقه‌بندی می‌کند، سپس استانداردهای لازم محل سکونت سالم را از آن استخراج می‌کند. اما بقراط به تعداد بیماری‌هایی که ممکن است افراد به دلیل تفاوت‌های آب و هوا و محل سکونت به آن مبتلا شوند می‌پردازد (۱۶).

منشأ تفاوت محیط زیست از منظر بلخی از سه ناحیه است: (الف) خاک، (ب) موقعیت جغرافیایی، (ج) دوری یا نزدیکی نسبت به مدار خورشید (۱۳). وی تفاوت آبهای را نیز از سه جهت می‌داند: (الف) نوع خاکی که آب از آن سرچشمه می‌گیرد، (ب) جاری بودن آب بر قسمت سطحی زمین یا سر بر آوردن از اعماق زمین، قاتها و چاهها، (ج) کندی یا تنیدی جریان آب مانند جریان آب رودخانه‌ها و نهرها. بلخی همچنین معطل آب را از جنبه‌های زیر هم مورد بررسی قرار می‌دهد: (الف) چگونگی جبران کمبود منابع آبی با توجه به محدودیت و مصرف روز افزون آن، (ب) نفوذ آلودگی و عوامل بیماری‌زا به آنها (ج) نفوذ مواد شیمیایی و آلوده کردن آنها و سپس انتقال این آلودگی به خاک. تمام این موارد همان معضلاتی هستند که جوامع امروزی بشدت دست به گریبان آن شده‌اند. وی بر این اساس نتیجه می‌گیرد که آب شرب مناطق مسکونی باید جاری، و از مناطقی پاکیزه با خاک مرغوب سرچشمه گیرد، با مواد آلوده در نیامید، به مدت طولانی در معرض تابش خورشید باشد، نور و حرارت کافی به آن برسد، و جریان آن سریع باشد. همچنین فاصله بین سرچشمه و نقطه استفاده از آب زیاد باشد تا با جریان یافتن در مسیری طولانی بر لطافت و سبکی و زلایی و گوارایی آن افزوده شود (۱۳).

هوای نیز از نظر بلخی از سه جهت متفاوت است: (الف) آب و خاکی که هوای در معرض آن قرار می‌گیرد، (ب) موقعیت هوای نسبت به موقعیت و مدار خورشید، (ج) هوای در اماکن مرتفع مانند مناطق کوهستانی و دامنه آن در جریان باشد یا در مناطق پست و گود و دره‌ها محبوس شده باشد. وی منشأ آلودگی هوای را به عوامل زیر نسبت می‌دهد: (الف) آلودگی‌های موجود در

و تحول تمدن مادی برای او به ارمغان آورده، و همچنین دستیابی به سلامت جسم، روان، فرهنگ، تمدن، و به تبع آن سعادت دنیوی و آخری، راهی جز پیشگیری و حفظ موازنۀ عناصر محیط زیست ندارد. این در حالی است که مشکلات زیست محیطی دوران بلخی به هیچ وجه با مشکلات و معضلات پیچیده جوامع امروزی قابل مقایسه نمی‌باشد (۱۳). بلخی این موضوع را در کتاب «مصالح الابدان و الأنفس» در چارچوب موضوعات ذیل مورد بررسی قرار می‌دهد: (الف) پیشگیری از بیماری‌ها (ب) بالا بردن سطح آگاهی بهداشتی (ج) حفظ سلامت محیط زیست و مبارزه با خطراتی که سلامت جسم و روان انسان را به خطر می‌اندازد. آنچه بلخی در این زمینه با زبان ساده و شیوهای خود مطرح می‌کند، هر چند در نگاه اول ساده و عادی به نظر می‌رسند، اما در واقع همان مبانی و اصولی هستند که علوم محیط زیست نوین بر مبنای آنها شکل گرفته است. چرا که حفظ محیط زیست در تعریف علوم نوین چیزی جز حفظ تعادل و برقراری موازنۀ در فضایی که موجودات و انسان را احاطه کرده نیست.

البته قبل از او، بقراط در کتاب خود، «آب و هوا و محل سکونت»، به تفاوت زمان و مکان و تاثیر آن بر بیماری‌ها اشاره می‌کند، و لازم می‌داند که طبیب نسبت به این تفاوتها و ارتباط آنها با بیماری‌ها آگاهی داشته باشد. او به پژوهشکاران توصیه می‌کند برای درمان بیماری‌های ساکنان شهرها، موقعیت جغرافیایی شهرها را از نظر جهت وزش باد، و نیز نسبت آنها به طلوع خورشید، و همچنین کیفیت آب مورد بررسی قرار دهدن. به علاوه او به تاثیر بادها در ایجاد تغییرات در بدن انسان، و نیز ارتباط نیروی آبهای و تفاوت طعم و وزن آنها با بیماری‌ها اشاره می‌کند (۱۵).

اما بلخی نقل قولی از بقراط نداشته است، بلکه با روش خاص خود مباحثی را در مورد آب و هوا و محل سکونت مطرح می‌کند و به گونه‌ای آنها را با قوانین نظری به اثبات می‌رساند که کسی قبل از او به این کار نپرداخته است. البته نوع تحقیق هریک از این دو اندیشمند با عنوان کتابشان تناسب دارد. بقراط به طور عام از آب و هوا و سرزمین‌ها و گاه از ارتباط آنها با بیماری‌ها سخن می‌گوید، اما بلخی آب و هوا و

شرایط محیط زیست ناسالم اصطلاح تخصصی «احتیال» را که معادل با راهکار است بکار می‌برد. یکی از راهکارهای زیست محیطی او توصیه به سکونت در مکانی دور از هوای قسمت پایین و سطحی زمین، و در نقاط مرتفع و مشرف و در معرض باد می‌باشد، زیرا هوایی که از قسمت پایین زمین به انسان می‌رسد درآمیخته با بخارهای آلوده متصاعد از زمین می‌باشد، درحالی که هوای قسمتهای بالایی پاک و صاف است (۱۳). در واقع «هوای خانه‌هایی که در نقطه مرتفع بنا شده خنک‌تر و خوش‌تر و دم زدن در آن آسان‌تر است. هوای خانه‌های گود، گرم‌تر و گرفته‌سر و بخارهای آن نامرغوب و دم زدن در آن ناخوش‌تر می‌باشد» (۱۸).

از آنجا که بلخی عادت دارد گفته‌های خود را با دلیل و شاهد عینی اثبات کند در این مورد نیز می‌گوید: دلیل تاثیر این بخارها بر هوای حالت خورشید و ماه است که هنگام طلوع و غروب رنگ آنها تیره و کدر می‌شود، گویی از پشت ابرها طلوع کرده‌اند. اما به تدریج که از جایی که در معرض اجزاء بخار مانند قرار دارند بالاتر می‌آیند رنگ آنها شفاف‌تر می‌شود، تا به حد اعلای شفاقت و درخشندگی می‌رسند. این بخارها هوای آلوده و بدن را سست و به سنگینی و بی‌رقی دچار می‌کنند، و آسیب و زیان‌های آن از جسم فراتر رفته و بر قدرت حافظه و درک انسان نیز تاثیر می‌گذارد، و موجب ضعف و کودنی می‌شود (۱۳). البته هوای آلوده از نظر بلخی با هوای متراکم متفاوت است، چون هوای متراکم هوایی است که گوهر ذاتی آن متراکم و خود بخود غلیظ شده است، در حالی که هوای آلوده، با آمیختن با اجسام غلیظ تراکم یافته است.

بادها و اهمیت تاثیر آنها نیز یکی از موضوعات دقیق زیست محیطی است که بلخی از پرداختن به آن غافل نبوده است، زیرا بادها بعنوان هوایی تجزیه‌پذیر بیشترین دخل و تصرف را در خود و درآنچه در معرض آنها قرار می‌گیرد، دارند. آنها با قدرتی که در حرکت دادن اجسام موجود در آب و خاک، و نیز در انتقال بوها و بارور کردن گیاهان و همچنین برانگیختن ابرها و بارش باران دارند، منشأ تغییرات زیادی در اوضاع زیست محیطی می‌شوند. آنها طبیعت و مزاج هر آنچه را که در معرضشان قرار می‌گیرد، تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

خاکی که در معرض هوا قرار می‌گیرد، (ب) آب شور دریاها و آب‌های آلوده و متعفن و گندیده (ج) دوری هوا از تابش نور خورشید و مدار آن، که این فاصله موجب غلبه سرما بر هوا می‌شود، و سرما خود غلاظت عناصر ترکیبی هوا را افزایش می‌دهد، که برای تنفس مضر می‌باشد. (د) محبوس شدن هوا در گودی‌ها و دره‌ها و مناطق عمیق و پست، این هوا که سنگین و برای تنفس خطرناک است، ذرات آلوده را به خاک و گیاه و آبی منتقل می‌کند که مورد استفاده انسان قرار می‌گیرد (۱۴).

بلخی هوای آلوده را ترکیبی از هوا، اجزای بخارگونه، و خاکی که به صورت دود و ریزگرد بالا رفته می‌داند. وی قبل از ابن سینا از پدیده آلودگی هوا ناشی از وارونگی یا تعفن هوا، و عواقب وخیم آن سخن گفته است، پدیده‌ای که بیشتر در اوآخر تابستان و در فصل پاییز رخ می‌دهد (۱۷). زیرا «هوای نزدیک به ما محض و خالص نیست، و با غبار، دود، و بخار درآمیخته و از هر چیزی اثر می‌پذیرد. و بهترین هوای هوایی است که از بخار دریاها و دیگر آبها، بخار مرغزارها و بیشه زارها، گیاهان و از بوی آهک، گلخن و عفونتها دور باشد. در میان درختان بانبو نباشد، با ارتفاعات محصور نشده باشد، و در تابستان همراه با غبار و در زمستان نمناک نباشد» (۱۸).

منشاء آلودگی خاک از نظر بلخی عبارت است از نفوذ مواد آلوده به خاک، دوری آن از تابش خورشید، محبوس شدن آن در مناطق پست که کوهها آنها را احاطه کرده و هوا به راحتی در آنجا جریان ندارد، و بخار و دم حیوانات در آنجا محبوس سپس استنشاق و به بدن باز می‌گردد. «عواملی مانند بلنای و پستی، مجاورت با بلندی و پستی و کوهساران، وجود درختان، کانی‌ها و گورستان‌ها، مواد بدبو و نظایر آن، افزونی و کاستی آب، کیفیت خاک و اینکه آزاد و یا شور و یا سیاه باشد، و .... جملگی تاثیراتی بر محیط زیست و به تبع آن بر حالات بدن دارند» (۱۷).

### بحث:

در فصل سوم کتاب، وقتی بلخی در مورد اهمیت سلامت محیط زیست و سلامت جامعه سخن می‌گوید، برای بهبود

آن، در معرض هوای آزاد بودن یا پنهان بودن، و نوع آب و گوهر آن و ... باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. ضمن این که بادهای منطقه را نیز باید شناخت و از سلامت آن اطمینان حاصل کرد. هم چنین در مورد نقاط مجاور محل سکونت مانند دریا، مسیلهای، کوهها و کانها باید تحقیق کرد تا از سلامت آنها و تندرستی و بیماری مردم هر منطقه اطمینان حاصل شود. بلخی توصیه می‌کند افراد در فصل زمستان خود را در معرض باد گرمی که از ناحیه جنوب می‌وزد قرار دهند، و محل خوابیدن آنها در معرض مستقیم وزش نسیم صبحگاهی باشد، تا فرد بتواند هم از آن نسیم و هم از تابش مستقیم نور خورشید به هنگام طلوع، که نیروی عجیبی به جسم و روح انسان می‌بخشد استفاده کند. زیرا این باد بر هرچه بوزد آن را گرم می‌کند و هوا را مساعد و عناصر ترکیبی آنرا لطیف و رقیق می‌گرداند (۱۳). به همین دلیل او پیشنهاد می‌کند پنجه‌های و درهای محل سکونت شرقی- شمالی باشد. وی می‌گوید: «علت این که انسانها تمایل دارند فعالیت‌های جسمانی و فکری خود را همزمان با طلوع خورشید آغاز کنند، همین خاصیت نیرو افزایی خورشید در این وقت خاص است. در این وقت خاص توان و فعالیت انسان به حد اعماق خود می‌رسد. و فعالیت‌هایی که در این زمان انجام می‌شود بهترین و کامل‌ترین نتیجه را به دنبال دارد. به گونه‌ای که گویی انسان در این زمان به استقبال زندگی جدیدی در این عالم می‌رود و این زمان خاص مانند دوره جوانی عالم است (۱۳).

او بخارها و ریزگردها و ذرات موجود در هوای آلوده را منشأ وبا و نفوذ بیمارهای مسری به خاک و آب می‌داند، چیزی که قوای نفسانی را نیز ضعیف می‌کند. او به ساکنان این مناطق و نیز مناطقی که با کم آبی مواجه شده‌اند دو راه کار ارایه می‌دهد: (الف) مهاجرت به مناطقی که از محیط زیست سالم برخوردارند، (ب) استفاده از ترفندهای خاص برای زدودن آلودگی آب مثل زدودن آلودگی آن با مکانیسم‌های خاص، انتقال آب سالم از نقاط دیگر، و استفاده از بخورات خاص در خانه برای زدودن آلودگی هوا (۱۳). او معتقد است «اگر هوای خارج بد شود و بخارهای بد با آن درآمیزد، استفاده از هوای

بلخی قدرت تاثیرگذاری بادها را به حدی می‌داند که می‌توانند طبیعت و مزاج حیوانات را از نظر زاد و ولد و نوع جنسیت آن تغییر دهند. او می‌گوید: «من از تجربه‌هایی که بدست آورده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که وقتی وزش بادهای شمالی و جنوبی بر محل زاد و ولد حیوانات مدتی تداوم داشته باشد در بیشتر مواقع موجب می‌شود نتیجه تولید مثل آنها در یک نوبت مذکور و در نوبت بعد مؤنث باشد» (۱۳).

بلخی می‌گوید تاثیر بادها بر حیوانات و قوای جسمانی انسانها و رنگ پوست آنها به میزانی است که برخی از آنها بدن را سست و بی حال می‌کند و رنگ پوست را به زردی متایمال می‌کند، در حالی که برخی از آنها بدن را مستحکم و قوی و رنگ پوست را روشن و شفاف می‌گرداند (۱۳).

بر این اساس او به کسانی که به سلامت خود اهتمام می‌ورزند توصیه می‌کند در انتخاب محل سکونت خود از این جهت که در هر فصلی در معرض چه بادی قرار گیرد و از معرض چه بادی به دور باشد، دقت لازم را داشته باشد تا بتوانند از مزایایی که از ناحیه وزش بادهای مفید حاصل می‌شود بهره مند شوند، و از آسیب وزش بادهای مضر در امان بمانند. بدین معنی که تلاش کنند در وسط تابستان رو به جهتی بنشینند یا بخوابند که در معرض باد شمال که از ناحیه قطب شمال می‌وزد باشند، زیرا این باد بسیار خنک، از شدت گرما می‌کاهد، و در صورتی که سرما و گرمای شدید مانع نشود باید در خانه‌هایی در اماکن مرتفع و در معرض باد و باران خیز سکنی گریند. چون، همان گونه که این سینا هم معتقد است، سرزمینهایی که در آن باد زیاد می‌وزد و کوه مانع نباشد از عفونت هوا بدور است. اما اگر مانع در برابر وزش باد بر منطقه وجود داشته باشد هوا برای تعفن آمادگی می‌باید (۱۷).

بلخی توصیه می‌کند زمانی که سرما و گرما به اوج خود می‌رسد، محل نشستن برای در امان ماندن از مضرات بخارهای متصاعد در فضایی مرتفع باشد، زیرا خانه‌های مناطق مرتفع و کوهستانی دارای آب و هوا و مزاج پاکتر و بهتر از خانه‌هایی هستند که در دشتها بنا می‌شوند. خانه‌های مناطق دشتزار نیز از آب و هوا و نسیم لطیف‌تر از اماکن پست و گود برخوردارند (۱۳). بنابراین از نظر او خاک محل سکونت، پستی و بلندی

خانه مسکونی نیز اجرا شود. زیرا همان گونه که سرزمین های پهناور از جهت آب و هوا و محیط زیست متفاوتند، نواحی مختلف یک منطقه محدود هم از این نظر متفاوتند. هرچند این تفاوت به شدت تفاوت اولی نیست. اما باید این تفاوت ها را به هنگام انتخاب محل سکونت و ساخت و ساز به دقت مورد توجه قرار داد (۱۳). «این دیدگاه دقیق بلخی در مورد ساخت و ساز مناطق مسکونی منطبق با ویژگی های زیست محیطی منطقه حاکی از مطالعات وسیع بلخی در حوزه علوم هواشناسی، جغرافیا، و محیط زیست است» (۱۴). او قصد دارد دو نکته مهم از این موضوع استنباط کند: (الف) ضرورت توجه به انتخاب و ساخت محل سکونت متناسب با محیط زیست منطقه و متناسب با هر یک از فصل های سال، (ب) توجه به تفاوت ها و تمایز های اقلیمی و آب و هوایی و بهره برداری صحیح از این تفاوت ها برای دستیابی به شرایط زیستی بهتر (۱۴). البته فواید دیگری را هم بلخی مد نظر دارد که عبارتند از استفاده بهینه از منابع خاک، آب، هوا، و انرژی و نیز جلوگیری از به هدر رفتن آنها و آلوده کردن محیط زیست، موضوعی که امروزه توجه طرفداران محیط زیست و جوامع بشری بخصوص جوامع صنعتی و پیشرفته را، به خاطر مواجه شدن با انواع مشکلات زیست محیطی و کمبود انرژی و خطرات ناشی از آلودگی های صنعتی و فسیلی به خود جلب کرده است.

بلخی برای صرفه جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از هدر رفتن آن و آلوده شدن محیط زیست معیارهای علمی دقیقی برای ساخت و ساز محل سکونت پیشنهاد می کند و می گوید: «ساخت و ساز خانه ها باید به گونه ای باشد که درب و دیوارها عایق دار و قطور و مستحکم باشند، تا سرما و گرما نتواند از طریق منافذ به داخل ساختمان نفوذ کند. او توصیه می کند سقف خانه ها را بلند بسازند تا فضایی برای حرکت و جابجایی بازدم و هوای آلوده با بخارها و دودهای ناشی از مواد سوختی وجود داشته باشد (۱۹). زیرا بازدم و بخار آلوده می توانند در یکجا ابانته شوند، به منافذ پوست نفوذ کنند، و به انسان آسیب جدی برسانند.

داخل بهتر از هوای بیرون می باشد، با اینکه هوای درون ساختمان سنگین تر از هوای خارج است» (۱۸).

بلغی ضمن پرداختن به مشکلات آلودگی آب و هوا و محیط زیست سه دلیل عمدۀ برای مهاجرت انسانها از محل سکونت خود بیان می کند که عبارتند از: (الف) طلب معاش زندگی و کسب درآمد، زمانی که کشور مبدأ با رکود اقتصادی یا با خشکسالی روبرو شود، (ب) مهاجرت به سرزمینهای امن به خاطر نامن بودن کشور مبدأ و ترس از جان، (ج) مهاجرت از مناطقی که از نظر آب و هوا و خاک آلوده اند و بیماری های مسری ساکنان آن را تهدید می کند. البته وی می گوید: «مهاجرت به هدف دستیابی به محل سکونت با آب و هوا و سالمتر فقط در بین حکیمان و خردمندان و پادشاهان که به مصلحت و تندرستی خود توجه دارند رایج است، و بین مردم عادی کمتر پیش می آید». وی می گوید «متمنکان و پادشاهان و صاحب منصبان هرگاه مجبور می شدند در مناطق بد آب و هوا و آلوده به بیماری های مسری اقامت کنند، در صورتی که هوای آن منطقه برای تنفس آلوده بود سعی می کردند با بخورات خاص آلودگی هوای محیط را بزدایند» (۱۳).

اطلاعات بلخی در مورد مهاجرت به دلائل زیست محیطی و هم چنین تاثیر محیط زیست در ویژگی های جسمانی و روانی انسانها حاکی از شناخت عمیق او نسبت به ارتباط بین جغرافیای انسانی و محیط زیست می باشد (۱۴). ضمن اینکه او معتقد است خداوند بلند مرتبه مناطق مسکونی این کره خاکی را بین ساکنانش تقسیم نموده است، و هر یک از آنها دارای سهمی مشخص از این مناطق با آب و هوای خاص هستند، و تغییر آن به راحتی امکان پذیر نیست، تا ساکنان آن بتوانند آن سرزمین ها را نیز آباد کنند. با این حال بر هر صاحب درایتی لازم می داند برای دستیابی به محیط زیست سالم از هیچ تلاشی دریغ ننماید، چون مهاجرت علاوه بر دستیابی به محیط زیست سالم و در نتیجه دستیابی به سلامت جسم و روان، فرصت عمران و آبادانی دیگر مناطق و رواج گردشگری را نیز فراهم می کند (۱۳).

او توصیه می کند تدبیر مهاجرت، در مورد یک منطقه محدود و خاص، مثلا یک شهر و یا روستا و حتی یک قصر و

که محفوظ، پوشیده، و دارای درب و دیوارهای عایق‌دار، فشرده و سقفی بلند باشد تا مانع از ورود گرما به داخل شود (۲۰). اما رفتن به زیرزمین را همیشه مفید نمی‌داند، زیرا هوای سرداب سنگین و مرتکب است و بدن را سست و سنگین می‌کند. در پناهگاه نیز بهتر است در جایی بالاتر از سطح زمین نشست و هوا هم از قسمت بالایی پناهگاه که دارای هوای سبک‌تر از قسمت پایین می‌باشد از طریق روزنه‌ها و دریچه‌هایی که در قسمت بالایی نصب شده گرفته شود، نه از قسمت پایین که سنگین است.

بلخی معتقد است عناصر سه گانه محیط زیست علاوه بر جسم بر خلق و خوی انسان نیز تاثیر بسزایی داردند. چنانچه، بخارهایی که هوا را تیره و آلوده می‌کند موجب رخوت بدن و سنگینی آن می‌شود و مضرات آن از جسم فراتر می‌رود و به روان انسان نیز آسیب می‌رساند، موجب کودنی و کند ذهنی می‌شود (۱۳).

بلخی با ذهن عقل‌گرای خود برای اثبات دیدگاه‌های علمی خود به استدلال و آزمایش و ذکر نمونه عینی متول می‌شود. وی تسلیم هیچ موضوعی نمی‌شود مگر بعد از این که درستی و اتفاق آن را با آزمایش و ذکر نمونه عملی اثبات کند. به همین دلیل قبل از ذکر نظرات علمی خود اغلب از عباراتی مانند «تجربه و آزمایش ثابت کرده است» استفاده می‌کند (۲۱). زیرا ساخت اعتقادی بلخی موجب می‌شود او در پدیده‌ها و اسباب و علل مادی متوقف نشود، بلکه به عالمی فراتر از آن قدم گذارد و اسباب و علل را به مشیت و اراده الهی نسبت دهد و احکام را مستقل از اراده الهی نداند. وی معتقد است که این تدابیر تنها با مشیت و اراده خداوند است که مؤثر می‌آید. سپس از حکمت نهفته در ماورای آنها سخن گوید و با مرتبط دانستن نظم و حکمت الهی با سلامت و تعادل و توازن محیط زیست، برخورداری انسان از سلامت جسم و روان را به تکریم خداوند از انسان اشرف مخلوقات نسبت می‌دهد، زیرا شایسته ترین موجودات که نباید امورش مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گیرد انسان است که مدلب تمامی کائنات می‌باشد، موجودی که بقای عالم و فساد آن با اوست (۱۱).

برخوردار بودن محل سکونت از روشنایی و نور کافی یکی دیگر از توصیه‌های زیست محیطی و روانشناسی بلخی است، زیرا روان انسان در فضای روش آرامش می‌باید و به شادابی و نشاط می‌رسد، اما در فضای تاریک احساس تنها بی و وحشت می‌کند. چنانچه به تأثیر مثبت تابش خورشید بر جسم و روان انسان به هنگام طلوع اشاره می‌کند (۱۳). تابش خورشید در این زمان موجب افزایش مصرف اکسیژن می‌شود، و این در افزایش رشد جسم و فعالیت و نشاط اعصاب و روان نقش بسزایی دارد (۱۴). وی این موضوع را از منظر علم روانشناسی نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌گوید: «علت این که نور به روان انسان آرامش می‌دهد این است که انسان با روشنایی روز آنس می‌گیرد، و نور از جنس روز و تاریکی از جنس شب است». سپس به برخی آسیب‌هایی که از ناحیه فضای تاریک به چشم وارد می‌شود اشاره می‌کند (۱۹).

وی به چگونگی مصرف انرژی حرارتی برای گرم کردن محل سکونت در زمستان نیز می‌پردازد و می‌گوید: «از لازم است خانه‌ها با سوختنی گرم شوند که حرارت به صورت یکنواخت به تمامی قسمت‌های خانه برسد. ساکنان باید از نشستن در مجاورت شعله مستقیم آتش پرهیز کنند، زیرا حرارت باید یکنواخت به بدن برسد. به همین دلیل توصیه می‌کند افراد در زدودن گرما و سرما از خود زیاده روی نکنند، تا با عواقب دشوارتر روبرو نشوند. مگر اینکه فرد مجبور به استفاده از حرارت مستقیم برای درمان باشد، و ناچار باشد عضوی از بدن را گرم کند، که آن به بحث حرارت درمانی مربوط می‌شود» (۱۹).

وی توجه به ضرورت تغییر تدریجی سرما یا گرما در محل سکونت را مورد تاکید قرار می‌دهد و می‌گوید: «بدن باید به تدریج با سرما و گرما مواجه شود، یعنی قسمت مرکزی خانه بدor از سرمای خارج باشد، و قسمت بیرونی آن بیشتر از قسمت مرکزی در معرض هوای سرد باشد، و هرچه زمان سرما افزایش یابد، ساکنان بیشتر خود را در قسمت مرکزی و به دور از هوای سرد قسمت بیرونی محفوظ دارند» (۱۹).

در مورد محافظت از بدن در گرمای شدید، نقل مکان به مناطق مرفوع و کوهستانی را پیشنهاد می‌کند. در صورتی که این کار امکان پذیر نباشد باید پناهگاهی برای سکونت انتخاب کرد

و استفاده بهینه از منابع خاک، آب، هوا، و انرژی سالم، و همچنین صرفه جویی در مصرف آنها و اجتناب از آلوده نمودن و تخریب محیط زیست با انرژی های ناپاک مورد تأکید قرار می دهد. با این حال او معتقد است هنوز پشت پرده این مقوله، یعنی حفظ سلامت محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن اسراری نهفته است که علم و دانش بشری از درک آنها عاجز است. زیرا آثار زیانبار این موضوع در کوتاه مدت برای انسان آشکار و ملموس نیست، بلکه در بلند مدت و به تدریج تبدیل به فاجعه می شود. به نظر می رسد یکی از معضلات زیست محیطی مدنظر بلخی که پیشگیری فواید زیادی در دفع آن دارد آلودگی هوا ناشی از پدیده وارونگی و خطرات ناشی از آن است که بطور تلویحی به آن اشاره می کند و نسبت به آن هشدار می دهد، و معتقد است محل سکونت و شهرها باید در نقاط مرتفع و در معرض بادهای مرغوب ساخته شود، چون سرزمین هایی که باد در آنها زیاد می وزد و کوه مانع نیست از عفونت و آلودگی هوا بدورند. او به ساکنان مناطقی که به دلیل شیوع بیماری یا محبوس ماندن هوا در گودی ها و وجود بخارات، غبارها، و ریزگردها باعفونت هومامواجه هستند توصیه می کند زمانی که سرما و گرمابه اوج شدت خود می رسد در مناطق مرتفع که دارای آب و هوای پاکتر هستند سکونت گزینند، تا از مضرات بخارها و دود و عفونت و ریزگردهای متتصاعد از زمین در امان باشند، یا با مکانیزم های خاص مانند استفاده از بخورات به تصفیه هوای آلوده اقدام کنند.

وی با ذهن عقل گرای خود موضوع سلامت انسان را با سلامت محیط زیست و با مباحث روانشناسی گره می زند. و کسب سلامت و سعادت او را مستلزم سلامت محیط زیست و سلامت جسم و روان انسان و ایمان و توکل به خدا و پاییندی به ارزش های اخلاقی و علم و معرفت می داند. بنابراین آراء دقیق این اندیشمند مسلمان در حوزه محیط زیست ثابت می کند بسیاری از مباحث زیست محیطی و کشف عمل و عوامل برخی پدیده ها و معضلات آن مانند پدیده وارونگی و آلودگی هوا ریشه در اعمق تاریخ ایران و اسلام دارد. علی رغم این که تصور می رو داز دستاوردهای زندگی شهرنشینی جدید باشند.

وی با تأکید بر تکریم انسان از جانب خداوند، و استحقاق انسان برای مدیریت عالم و برخورداری از سلامت جسم و روان و محیط زیست ضمن مقایسه انسان با دیگر موجودات می گوید: «مشیت الهی بر این قرار گرفته که انسان به سعادت دنیوی و اخروی برسد و این سعادت را مستلزم سلامت محیط زیست و جسم و روان و ایمان و توکل به خدا و دوری از آفت های فکری و قلبی و دلیل خداوند به انسان آگاهی امکان پذیر نمی باشد. به همین دلیل خداوند به انسان نیروی تشخیص و تفکر و تعقل ارزانی داشته است تا بهترین تدبیر را در مورد محیط زیست خود بکار گیرد» (۱۹).

### نتیجه گیری:

موضوع حفظ محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن همواره از دغدغه های اندیشمندان و حکیمان مسلمان ایرانی از جمله ابو زید بلخی پایه گذار علم سلامت روان و پیشگیری در قرن سوم و چهارم هجری بوده است. بلخی در کتاب صالح الأبدان و الأنفس پیشگیری را هم در حوزه سلامت جسم و روان و هم در حوزه سلامت محیط زیست مقدم بزر درمان می داند، زیرا معتقد است که حفظ شیء موجود مهمتر از این است که به دنبال چیزی باشیم که از دست رفته است. وی نگه داری از محیط زندگی و همه اشیاء طبیعی و اشیاء مصنوعی ساخته دست بشر را مورد تأکید قرار می دهد. البته این محافظت و نگهداری را مستلزم مدیریت صحیح انسانها و آگاهی کافی آنها نسبت به جسم و روان و محیط زیست خویش می داند.

وی با بررسی مزاج عناصر چهارگانه محیط زیست نتیجه می گیرد که منشأ تفاوت های جسمانی، روانی و اخلاقی انسانها تفاوت در مزاج این عناصر می باشد. او ضمن طبقه بندی یافته های خود در مورد آب، هوا، خاک، و محل سکونت و نیز بررسی علل آلودگی آنها و تعیین استانداردهایی که این عناصر باید برای تأمین یک زندگی سالم برخوردار باشند، توجه به تفاوت های اقلیمی را در هر یک از فصول سال به هنگام انتخاب و ساخت محل سکونت ضروری می داند، و بهره برداری صحیح از این تفاوت ها را برای دستیابی به شرایط زیستی بهتر

**References:**

١. ياقوت بن عبدالله الحموي، شهاب الدين: معجم الأباء. ج ٢، دار الفكر، بيروت، صص: ٨٥-٦٨، ١٩٨٠ م.
٢. ابن حجر العسقلاني، شهاب الدين: لسان الميزان. تحقيق: المرعشى، محمد عبد الرحمن. ج ١، دار إحياء التراث، بيروت ، صص: ٢٧٧، ١٩٩٥ م.
٣. الخضري، محمد: محاضرات تاريخ الأمم الإسلامية - الدولة العباسية. دار القلم، بيروت ، صص: ٣٦، ١٩٨٦ م.
٤. بروكلمان، كارل: تاريخ الأدب العربي، ترجمه عربى: رمضان، عبد التواب، بكر يعقوب. جز ٤، دار الكتاب الاسلامى، قم، صص: ٢٤٦، ٢٠٠٨ م.
٥. مصرى، محمود: مقدمة كتاب مصالح الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٤٦-٤٢، ١٣٨٨.
٦. حاله، عمر رضا: معجم المؤلفين تراجم مصنفي الكتب العربية. ج ١، دار إحياء التراث العربي، بيروت، صص: ٢٤٠، ١٩٥٧ م.
٧. جرجى زيدان: تاريخ أدب اللغة العربية. ج ٢، دار الفكر، بيروت، صص: ٢٢٢، ١٩٩٦ م.
٨. بشير، طه الزبير: علم النفس فى التراث العربى الاسلامى (سلسلة الكتاب الالكترونى). نسخه ٢١ ، اصدارات شبكة العلوم النفسية العربية، صص: ١٢٤، ١٢٤ م. ٢٠١١.
٩. نديم، محمد بن اسحاق أبي يعقوب: الفهرست، تحقيق و تصحيح: رمضان، ابراهيم، چاپ ٢، دار المعرفه، بيروت، ١٩٩٧.
١٠. نجم أبادى، محمود: تاريخ طب در ایران پس از اسلام. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، صص: ٣٣٥، ١٣٧٠.
١١. بلخى، أبو زيد، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣١١-٣١٧، ١٣٨٨.
١٢. بلخى، أبو زيد، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣٨٠، ١٣٨٨.
١٣. بلخى، أبو زيد، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣٢٨-٣٤٢، ١٣٨٨.
١٤. مصرى، محمود: مقدمة كتاب مصالح الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ١٢١-١٢٩، ١٣٨٨.
١٥. الراھوی، اسحاق: أدب الطبيب. تحقيق: السامراني، کمال، و سلمان على، داود، چاپ اول، دار الشؤون الثقافية العامة آفاق عربية، بغداد، صص: ٨٢، ١٩٩٢ م.
١٦. مصرى، محمود: مقدمة كتاب مصالح الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٢٩٧-٢٩٨، ١٣٨٨.
١٧. ابن سينا، أبو على: قانون، ترجمه: شرفكندی، عبدالرحمن، ج ١، انتشارات صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران، تهران، صص: ٢٠٨-٢١٢، ١٣٨٣.
١٨. جرجانى، سید اسماعیل: الخفیة العلانية، به کوشش ولایتی، علی اکبر و نجم أبادى، محمود، انتشارات اطلاعات، تهران، صص: ١٠، ١٨-١٧، ١٣٧٧.
١٩. بلخى، أبو زيد، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣٤٦-٣٤٩، ١٣٨٨.
٢٠. بلخى، أبو زيد، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣٥٥-٣٥٦، ١٣٨٨.
٢١. بلخى، أبو زيد، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٤٤٢، ١٣٨٨.